کیهان

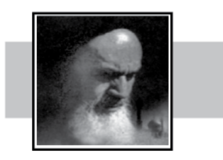

درمکتب امام

با اینها چه کنیم؟

امروز هم مسلمان‌ها مبتلای به دسته‌ای از منافقین هستند که کار این مسلمان‌ها با این منافقین مشکل‌تر است، تا کارشان با محمدرضا [پهلوی]. محمدرضا ایستاده بود و می‌زد و می کشت. و تکلیف ملت با او معلوم بود. ملت می‌رفت به جنگش. اما یک دسته‌ای که در ظاهر اظهار اسلام می کنند، در ظاهر برای اسلام دعوت می کنند، در ظاهر حرف اسلام می‌زنند، قلم‌های‌شان و قدم‌های‌شان برای اسلام است، لکن زیر پرده با اسلام مخالف‌اند. مخالفت با اسلام می کنند در زیر پرده. با اینها باید چه بکنیم؟ کار با اینها بسیار مشکل است.

صحیفه امام؛ ج۱۱؛ ص۲۳۳ | قم؛ ۲۳ آذر ۱۳۵۸

مقاله وارده

از هسته اتمی تا خروج از NPT

ابراهیم کارخانه‌ای

۱- یکی از منابع مهمی که خداوند تبارک و تعالی آن را منبع اصلی تأمین انرژی جهان قرار داده است، هسته اتمی است که سنگ بنای آن در کره زمین بر پایه شکافت هسته‌ای و مقدمه‌ای برای دستیابی به فرآیند هم‌جوشی هسته‌ای است که منبع تمام‌نشدنی انرژی آینده بشری را از طریق آب اقیانوس‌ها رقم خواهد زد. با توجه به اینکه ذخایر فسیلی جهان رو به اتمام است، هر کشوری که بخواهد عزت و استقلال خود را حفظ کند چاره‌ای ندارد جز اینکه امروز به فناوری شکافت هسته‌ای و فردا به فناوری هم‌جوشی هسته‌ای دسترسی پیدا کند. بر این اساس جمهوری اسلامی در استفاده از انرژی هسته‌ای به عنوان حق مسلم خدادادی خود لحظه‌ای درنگ نخواهد کرد.

۲- شکی نیست که در آینده، کشورهای صاحب چرخه سوخت هسته‌ای و در رأس آن‌ها آمریکا در اقدامی شبیه NPT بخواهند با تشکیل باشگاه دارندگان چرخه سوخت هسته‌ای، مدیریت استفاده از سوخت‌های هسته‌ای جهان را در انحصار خود قرار دهند و اجازه ندهند دیگر کشورها به چرخه سوخت هسته‌ای دسترسی پیدا کنند و کشورهای فاقد چرخه سوخت هسته‌ای و نیازمند انرژی را در جهت همسویی با سیاست‌های سلطه‌جویانه خود به گروگان بگیرند. کما اینکه همین کار هم‌اکنون در قالب NPT در حال اجرا است.

اقدامات هیئت حاکمه شکست‌خورده آمریکا مبنی بر محرومیت جمهوری اسلامی از غنی‌سازی هسته‌ای، علاوه‌بر استفاده ابزاری از موضوع هسته‌ای با هدف تهدید، توطئه و حمله علیه جمهوری اسلامی ایران؛ در درازمدت بر پایه چنین اقدامی نیز قابل ارزیابی است!

جمهوری اسلامی ایران براساس برنامه صلح‌آمیز خود تاکنون اقدام به غنی‌سازی زیر ۵ درصد، ۲۰ درصد و ۶۰ درصد به ترتیب برای نیروگاه‌های هسته‌ای، راکتور تحقیقاتی، زیردریایی‌ها و کشتی‌های اقیانوس‌پیما اقدام نموده است؛ لیکن آمریکای جنایتکار، در حالی جمهوری اسلامی ایران را از دستیابی به چرخه صلح‌آمیز هسته‌ای نهی می کند که خود بدون حد و مرز همگام با نیروگاه‌های هسته‌ای اقدام به غنی‌سازی بالای ۹۰ درصد با هدف توسعه سلاح‌های هسته‌ای می‌نماید و همدست جنایتکار او یعنی رژیم صهیونیستی فارغ از نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برنامه قهرآمیز هسته‌ای خود را در سطوح راهبردی و تاکتیکی به پیش می‌برد!

۳- مقایسه انرژی‌های حاصل از سوخت‌های هسته‌ای و فسیلی بیانگر مزیت ویژه سوخت‌های هسته‌ای است، به‌طوری که برای تولید ۱۰۰۰ مگاوات برق در سال، ۵/۲ میلیون تن ذغال‌سنگ یا ۵/۱ میلیون تن نفت و تنها ۲۵ تن اورانیوم با غنای زیر ۵ درصد بر پایه فرآیند شکافت هسته‌ای مورد نیاز است. از طرفی انرژی حاصل از هم‌جوشی هیدروژن سنگین موجود در یک گالن آب، معادل ۳۰۰ گالن نفت انرژی تولید می‌کند. با توجه به اینکه منابع فسیلی و ذخایر اورانیوم جهان تمام‌شدنی و در مقابل، آب اقیانوس‌ها، منابع پایدار و تمام‌نشدنی است، در آینده با پیشرفت‌های علمی که در جریان است، تأمین انرژی مورد نیاز بشر از طریق منابع آبی و اقیانوس‌ها بر پایه فرآیند هم‌جوشی هسته‌ای (گداخت هسته‌ای) رقم خواهد خورد. در این رابطه قابل ذکر است که به ازای حدود هر ۷۰۰۰ مولکول آب، یک مولکول آب سنگین وجود دارد که ماده اولیه تهیه هیدروژن سنگین مورد نیاز فرآیند هم‌جوشی هسته‌ای است و به همت نخبگان و دانشمندان مجرب؛ جمهوری اسلامی ایران در تولید آب سنگین با عالی‌ترین کیفیت، جایگاه برجسته‌ای در جهان دارد و سال‌هاست که در عرصه هم‌جوشی هسته‌ای نیز فعالیت تحقیقاتی دارد. نکته قابل توجه اینکه، کشوری که امروز از فناوری شکافت هسته‌ای برخوردار نباشد فردا نخواهد توانست به فناوری هم‌جوشی هسته‌ای دسترسی پیدا کند. این حقیقتی است که رهبر شهید حکیم و ژرف‌نگر جمهوری اسلامی ایران با اصرار بر غنی‌سازی هسته‌ای بر دستیابی به این مهم برای امروز و فردای کشور تأکید فرمودند و بدون شک اگر ایران اسلامی می‌خواست معادلات سیاسی و علمی خود را بر اساس اراده قدرت‌های سلطه‌گر ترسیم نماید امروز اثری از جمهوری اسلامی ایران در عرصه معادلات قدرت و پیشرفت منطقه‌ای و جهانی دیده نمی‌شد.

۴- براساس آمار منتشره سال ۲۰۲۲ از ۴۱۱ راکتور فعال در جهان، سهم آمریکا ۹۲، فرانسه ۵۶، چین ۵۵، روسیه ۳۷، کره جنوبی ۲۴، انگلستان ۱۱، پاکستان ۶ و امارات متحده عربی ۳ راکتور می‌باشد که به ترتیب فرانسه، روسیه و آمریکا، ۶۳، ۱۹ و ۱۸ درصد برق مورد نیاز خود را از طریق نیروگاه‌های هسته‌ای تأمین می‌کنند. لیکن جمهوری اسلامی ایران با داشتن تنها یک نیروگاه فعال هسته‌ای در رأس اهداف توطئه‌های آمریکا و غرب قرار دارد! این در حالی است که آمریکا با فرآوری پسماندهای ۹۲ راکتور فعال خود، ماده اولیه مورد نیاز ساخت سلاح‌های هسته‌ای را نیز تأمین می‌کند. (در پسماند هر نیروگاه هسته‌ای سالانه معادل یک درصد پلوتونیوم تولید می‌گردد که در یک راکتور هسته‌ای ۱۰۰۰ مگاواتی سالانه حدود ۲ تن پلوتونیوم تولید می‌شود.) آمریکا با در اختیار داشتن بیش از ۴۵۰۰ کلاهک هسته‌ای! مدعی است که فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران امنیت منطقه و جهان را به خطر می‌اندازد! این اقدام فریبکارانه و زورمدارانه آمریکا در حالی است که همدست کودک‌کش او، رژیم صهیونیستی نیز خارج از چارچوب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با دارا بودن حداقل ۹۰ کلاهک هسته‌ای بارها جمهوری اسلامی ایران را تهدید به حمله هسته‌ای نموده است! آیا در چنین شرایطی، دست کشیدن از غنی‌سازی هسته‌ای بوسه بر پنجه گرگ نیست! بدون شک این فرموده امام حکیم و شهید انقلاب در اول فروردین ۱۳۹۱ که «ما سلاح اتمی نداریم و نخواهیم ساخت اما در مقابل تهاجم دشمنان چه آمریکا و چه رژیم صهیونیستی برای دفاع از خودمان در همان سطحی که دشمن حمله کند به آن‌ها حمله خواهیم کرد» راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در دفاع قهرمانانه از دین و میهن و عزت و شرف ملت ایران خواهد بود.

۵- اهمیت غنی‌سازی که لازمه آن در اختیار داشتن چرخه سوخت هسته‌ای است، صرف‌نظر از جایگاه سیاسی آن در استقلال و سرنوشت کشور، در دیگر عرصه‌های پیشرفت از قبیل: پزشکی، بهداشتی، کشاورزی، صنعتی، زیست‌محیطی، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، آب‌شناسی، باستان‌شناسی، پژوهش و نوآوری، بازرسی و حتی قضائی و... در حدی است که اگر کنار گذاشته شود، علاوه‌بر آنکه جان صدها هزار بیمار در حال و آینده به خطر خواهد افتاد، یأس و ناامیدی بر دیگر ابعاد علمی، آموزشی و پژوهشی و صنعتی سایه خواهد افکند و چرخ پیشرفت کشور در مواردی کند و یا متوقف می‌گردد. همه علوم عالم زنجیره به‌هم‌پیوسته‌ای است که فقدان یک حلقه عملاً زنجیره پیشرفت یک برنامه همه‌جانبه را به هم می‌ریزد. در ساخت یک راکتور هسته‌ای کمتر از ۱۵ درصد آن نیازمند دانش هسته‌ای است، بخش اعظم آن غیرهسته‌ای و استفاده از کالاهای با کاربردهای دوگانه است که کشور را در لبه فناوری روز دنیا به پیش می‌برد. مهندسی طراحی، ساخت و به‌کارگیری مواد در اوج شرایط بحرانی با بالاترین حد خلأ، فشار، دما و... مستلزم پیشرفت در قله علوم بشری است که با دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای و بومی‌سازی ساخت راکتور ممکن می‌گردد. بر این اساس، جای تردیدی باقی نمی‌ماند که ملت بزرگ ایران، راهی جز ادامه قدرتمندانه غنی‌سازی و استفاده از مواهب آن ندارد. در شرایطی که دشمن در صدد است که امر و نهی خود را بر ملت ما تحمیل نماید، قطعاً ملت ایران می‌بایست، بایدها و نبایدهای خود را بر پایه اقتضائات و نیازمندی‌های خود قدرتمندانه به پیش ببرد و در میدان دانایی و توانایی، خود رأساً تصمیم بگیرد. همان گونه رهبر معظم شهید انقلاب فرمودند باید برای قوی‌تر شدن کشور در تمامی عرصه‌ها برنامه داشت و به آن‌ها عمل کرد که لازمه آن، ورود دانایی‌محور نخبگان، دلسوزان و وفاداران مجرب و کارآمد نظام اسلامی به میدان ایده و علم و عمل است. رهنمودها و پیام‌های امام شهید انقلاب روان‌ترین، مردمی‌ترین، محکم‌ترین و دقیق‌ترین راه روشنی است که به روی ملت بزرگ ایران گشوده شده که ان‌شاءالله نتیجه آن اقتدار هرچه بیشتر جمهوری اسلامی ایران و بازدارندگی کامل در جهت خنثی‌سازی نقشه‌های شوم بیگانگان و پیشتازی ملت رشید و بصیر ایران در میدان علم و عمل خواهد بود.

۶- در حالی که دائماً شاهد عدم پایبندی و خروج آمریکای جنگ‌افروز از معاهدات بین‌المللی هستیم؛ جمهوری اسلامی ایران در طول دهه‌های گذشته بیشترین ضربات را از عضویت در NPT متحمل شده است و حاصل این عضویت جز شرارت، خسارت، قتل و ترور و حمله نظامی؛ کوچک‌ترین نفعی برای ملت ایران در پی نداشته است و از این پس نیز از ادامه عضویت در NPT جز باز گذاشتن مسیر تهدید، تحریم، توطئه و حمله به بهانه هسته‌ای، حاصل دیگری متصور نیست و از طرفی آژانس بین‌المللی انرژی نیز که خود می‌بایست مدافع حقوق هسته‌ای به رسمیت شناخته اعضا باشد علی‌رغم بیش از ۲۰ سال تعامل یکجانبه و خویشتنداری جمهوری اسلامی ایران، در برخوردی دوگانه و تبعیض‌آمیز به بازوی جاسوسی و اهرم سیاسی دشمنان علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است و نه‌تنها بمباران مراکز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را به عنوان وظیفه حداقلی محکوم نمی‌کند! بلکه در برابر تهدیدات مکرر رژیم صهیونیستی در استفاده از سلاح هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران نیز کوچک‌ترین واکنشی از خود نشان نمی‌دهد و به جای یک نهاد ناظر و بی‌طرف؛ با حمایت از آمریکا و غرب خود به یک سر دعوا علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است! بر این اساس ایران اسلامی بر طبق بند ده NPT که این حق را به اعضا داده است که هرگاه امنیت ملی آن‌ها به علت ادامه عضویت در معرض خطر قرار بگیرد می‌توانند تقاضای خروج از NPT بدهند، چاره‌ای جز خروج از NPT ندارد و تجربه ربع قرن جاسوسی، ارائه گزارش‌های کذب و ساختگی و کاشتن بذر فشار حداکثری و حمله ناجوانمردانه علیه کشور عزیزمان ایران دلیل آن می‌باشد.

گزارش روز یکصد و نود و نهم جنگ

عربستان زیر ضربات یمن و درخواست کمک رژیم سعودی از اسرائیل

درگیری‌های میدانی ادامه دارد

در روز صد و نود و نهم جنگ همچنان اخبار درگیری و انفجار، هرچند به اندازه کم، وجود دارد. منابع عربی خبر از انفجار مهیبی در بندر عقبه اردن دادند که صدای آن در بندر ایلات واقع در اراضی اشغالی نیز شنیده شده است. منشأ این انفجار ذکر نشده، اما خبرگزاری رسمی اردن اعلام کرد این انفجار باعث نشت گاز آمونیاک در مجتمع صنعتی عقبه شده است. به دنبال نشت گاز آمونیاک دست‌کم ۱۱ نفر دچار خفگی شده و دستور تخلیه کامل بندر نیز صادر شده است.

در جبهه یمن اخبار غیررسمی حاکی از حمله یمنی‌ها به پایگاه نظامی خمیس‌مشیط در عربستان است. نیروهای مسلح یمن طی بیانیه‌ای در تشریح اقدام خود گفتند عملیات نظامی گسترده‌ای را با هدف قرار دادن تأسیسات و زیرساخت‌های نظامی، از جمله آشیانه‌های جنگنده‌ها، رادارها، باندها، انبارهای مهمات و دیگر اهداف واقع در پایگاه هوایی ملک خالد در خمیس‌مشیط، انجام دادند. هم‌زمان با انفجار در پایگاه نظامی خمیس‌مشیط، خبرگزاری رسمی عربستان اعلام کرد برد کوپر، فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام)، وارد عربستان شده و در بدو ورود مورد استقبال محمد بن سلمان در جده قرار گرفته است. روزنامه صهیونیستی اسرائیل هیوم مدعی شد بن‌سلمان برای مواجهه با یمن، از کشورهای منطقه و به‌طور غیرمستقیم از اسرائیل درخواست کمک کرده است. این روزنامه در ادامه گزارش خود افزود در حالی که برد کوپر، فرمانده سنتکام، برای بررسی دقیق وضعیت و افزایش سطح کمک‌های موجود آمریکا به عربستان اعزام شده، اما ترامپ در شرایط کنونی تمایلی به ارائه کمک نظامی مستقیم ندارد.

پیش‌بینی منتقدان درباره نشست غیرموجه عمان صحیح بود

از تحرکات جزئی میدان نبرد که بگذریم، یکی از مهم‌ترین خبرها در صد و نود و نهمین روز جنگ؛ لغو نشست صلاله در عمان بود که قرار بود ایران و عمان با حضور کشورهای حاشیه خلیج فارس توافق درباره تنگه هرمز را به امضا برسانند. خبری که طی روزهای گذشته از سوی مقامات رسمی دولت ایران، از جمله شخص رئیس‌جمهور و وزیر خارجه، نیز اعلام شده بود و البته مورد انتقاد نیز قرار گرفته بود. بنابر اعلام وزارت خارجه ایران و عمان، این نشست در آخرین لحظات لغو شد و زمان برگزاری آن به تعویق افتاد. وزارت خارجه ایران در توضیحات کلی خود یکی از علل لغو این نشست را درخواست برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس عنوان کرد. پایگاه آمریکایی آکسیوس این کشور را «عربستان سعودی» اعلام کرد و نوشت: «یک مقام از کشورهای حوزه خلیج فارس گفت عربستان سعودی اصلاحاتی در پیشنهاد عمان و ایران درباره تنگه هرمز ارائه کرده است؛ زیرا ریاض نگران بود متن پیشنهادی عملاً به ایجاد وضعیت و رویه جدیدی در تنگه منجر شود.»

این دقیقاً یکی از نقاطی بود که منتقدان داخلی در نقد نشست صلاله عنوان می‌کردند. علاوه بر زمان‌بندی و منطق نادرست توافق با عمان؛ نشست صلاله پای کشورهای دیگر را نیز به معادله تنگه هرمز باز می‌کرد، در حالی که وزنی در این معادله نداشتند. وجه دیگر انتقادات به این نشست و توافق غیرموجه با عمان؛ مرتبط دانستن آن ذیل بند ۵ تفاهم‌نامه اسلام‌آباد بود. تفاهم‌نامه‌ای که آمریکا هرگز تعهدات خود را در قبال آن انجام نداد و دست آخر نیز از آن خارج شد. انتقاد اساسی این بود که چرا وزارت خارجه ایران همچنان به دنبال اجرا شدن این تفاهم‌نامه منسوخ و مملو از ایراد است. هم‌زمان که طرح اقدام راهبردی تنگه هرمز در مجلس شورای اسلامی خاک می‌خورد، وزارت خارجه نیز با نشست‌های غیرموجه به اتلاف وقت می‌پردازد و این همه در حالی است که مدیریت تنگه هرمز توسط ایران نیازی به تفاهم و امضای روی چند تکه کاغذ ندارد و باید در میدان عمل به اجرا گذاشته شود.

اعتراف مقام ارشد سابق آمریکا: ایران اقتصاد ما را تحت فشار قرار داده است

ابعاد اقتصادی جنگ نیز از دیگر موضوعاتی است که روزبه‌روز بر اهمیتش افزوده و در صدر اخبار قرار می‌گیرد. روزنامه انگلیسی گاردین روز گذشته با بررسی تصاویر ماهواره‌ای گزارش داد که اگرچه عربستان جزئیات خسارت‌های ناشی از حمله به خط لوله اصلی شرق به غرب تا دریای سرخ را افشا نکرده است، اما حجم این خسارات در خطوط لوله اصلی عربستان چشمگیر است. به گزارش گاردین: «این مسئله باعث از دست رفتن چهار درصد از تأمین نفت جهان می‌شود. تصاویر ماهواره‌ای حاکی از آن است که ایستگاه پمپاژ خط لوله راهبردی عربستان به‌شدت آسیب دیده است.» گاردین در ادامه افزود مشتری‌های نفت عربستان معتقدند ذخایر مخصوص صادرات این کشور به پایان خواهد رسید؛ چرا که خط لوله اصلی انتقال نفت به دریای سرخ مجدداً فعال نشده است.

هم‌زمان با کاهش عرضه نفت و روند صعودی قیمت آن تا ۱۱۰ دلار به ازای هر بشکه (برای شاخص نفت برنت)، فایننشال تایمز از هزینه سنگین حمل‌ونقل نفتکش‌ها به علت مخاطرات کشتیرانی در منطقه نیز خبر داده است. به گزارش این نشریه انگلیسی، کرایه نفتکش‌های غول‌پیکر از ابتدای سپتامبر ۴۰ درصد رشد کرده و مسیر خلیج فارس به چین از ۸۰۰ هزار دلار در روز عبور کرد. هزینه یک سفر نفتکش از خلیج مکزیک به آسیا نیز ۲۹ میلیون دلار، یعنی حدود ۱۵ دلار هزینه حمل برای هر بشکه نفت، رسیده است.

در همین زمینه ژنرال «مارک هرتلینگ»، فرمانده کل ارتش آمریکا در اروپا طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲، در یک مصاحبه به فشار ایران بر اقتصاد آمریکا اشاره کرد. این فرمانده ارشد سابق ارتش آمریکا گفت: «ما با یک رویکرد نامتقارن در جنگ اقتصادی از سوی ایران و حالا برخی متحدانش روبه‌رو هستیم. بسیاری از متحدان خاورمیانه‌ای ما در حال فاصله گرفتن هستند، چون دیگر نمی‌توانند به ما متکی باشند... بنابراین وقتی درباره تأثیرگذاری بر اقتصاد جهانی صحبت می‌کنید این وضعیت قطعاً اقتصاد آمریکا را هم تحت تأثیر قرار خواهد داد. ما همین حالا هم شاهد آن هستیم.»

روز گذشته «توماس مسی» نماینده جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان آمریکا نیز تصویری از قیمت بالای بنزین و گازوئیل در آمریکا منتشر کرد و نوشت: «تمام اهرم‌هایی که کنگره و رئیس‌جمهور می‌توانستند برای تأثیرگذاری بر قیمت سوخت به کار بگیرند، در جهت اشتباه به کار گرفته شده‌اند.» هرچه می‌گذرد هزینه جنگ‌افروزی ساکنان کاخ سفید علیه ایران بیشتر در داخل آمریکا نمایان می‌شود. این شاید تنها راهی باشد که بتوان از طریق آن فشار جنگ را به مردم آمریکا چشاند تا باعث تغییر رفتار و سیاست‌های حاکمان خود شوند.

از بودجه هنگفت ۳۰۰ شرکت تا عضویت غیرقانونی ۱۵۰۰ نفر در هیئت‌مدیره‌ها

«اژه‌ای» دستور حسابرسی دقیق از بودجه و تخلفات شرکت‌های دولتی را صادر کرد

جمهوری اسلامی ایران
قوه قضائیه
جلسه شورای عالی قوه قضائیه
۱۴۰۵/۰۶/۲۳
MIZAN
Ali Shirband

رئیس قوه قضائیه گفت: به رئیس سازمان بازرسی کل کشور دستور می‌دهم تا بررسی ویژه و جامعی را پیرامون شرکت‌های دولتی به عمل آورد.

به گزارش خبرگزاری میزان، حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی‌اژه‌ای در نشست دیروز شورای‌عالی قوه قضائیه، به موضوع شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و بودجه‌ای که به آنها طی سنوات مختلف اختصاص داده می‌شود، پرداخت و اظهارداشت: تعداد قابل توجهی از شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت در کشور وجود دارد؛ برخی آگاهان، تعداد آنها را بیش از ۳۰۰ شرکت قلمداد می‌کنند؛ بودجه تخصیصی به این شرکت‌ها بیش از بودجه دولت است؛ در این‌جا به رئیس سازمان بازرسی کل کشور دستور می‌دهم تا بررسی ویژه و جامعی را پیرامون این شرکت‌ها به عمل آورد. باید به طور دقیق مشخص شود که شرکت‌های مزبور، این بودجه‌ها را در چه حوزه‌هایی صرف می‌کنند؟ آیا سودده هستند یا زیان‌ده؟ این شرکت‌ها چگونه اداره می‌شوند؟ آیا اساساً وجودشان ضروری است؟ علی‌ای‌حال باید یک اقدام جامع و آسیب‌شناسانه در باب این شرکت‌ها صورت گیرد.

طرح سؤالات بسیار مهم در مورد برخی شرکت‌های زیانده دولتی

محسنی‌اژه‌ای افزود: باید مشخص شود که تعداد دقیق اعضای هیئت‌مدیره‌های این شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت چه مقدار است؟ آیا این اعضای هیئت‌مدیره‌ها اعم از موظف و غیرموظف، در بخش‌های دیگر نیز مشغول هستند یا خیر؟ باید دقیق مشخص شود که میزان دریافتی، حقوق، پاداش و یا حق جلسه آنها چه مقدار است؟ آیا هیئت‌مدیره‌ای که پاداش می‌گیرد، شرکت متبوعش سودده است یا زیان‌ده؟ قطعاً اگر شرکتی زیانده باشد و اعضای هیئت‌مدیره‌اش پاداش دریافت کنند، امری خلاف قانون صورت گرفته است.

وی به مقوله بودجه مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌های دولتی نیز گریزی زد و گفت: این شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت، بودجه‌ای تحت عنوان بودجه مسئولیت‌های اجتماعی دریافت می‌کنند؛ این مقوله، فی‌نفسه پسندیده و مستحسن است؛ لکن باید مشخص شود که این بودجه مسئولیت‌های اجتماعی، در کدام حوزه‌ها مصرف می‌شود.

رئیس دستگاه قضا با اشاره به پاداش‌هایی که به اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی تعلق می‌گیرد، عنوان کرد: من سال‌ها قبل بر روی موضوع شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت متمرکز شده بودم؛ چندی پیش نیز از یک مسئول ذی‌صلاح در باب پاداشی که اعضای هیئت‌مدیره یک شرکت مشخص، دریافت کرده بودند، استفسار کردم که مسئول مربوطه پاسخ داد که چنانچه پاداش دریافتی از سود خالص آن شرکت باشد، بلامانع و قانونی است؛ من خطاب به آن مسئول ذی‌صلاح گفتم که موضوع اصلی نیز همین است که آیا این پاداش دریافت شده از سود خالص شرکت بوده یا خیر؟

محسنی‌اژه‌ای با تاکید بر اهمیت اصلاح وضعیت شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت اظهارداشت: رئیس وقت سازمان بازرسی در مقطع ریاست آقای خدائیان طی گزارشی به من اعلام کرد که بالغ بر هزار و ۵۳۵ عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت شناسایی شده‌اند که عضویت آنها مغایر با قانون است؛ تعدادی از آنها با ورود سازمان بازرسی استعفا دادند؛ برای ۳۵۹ نفر از آنها نیز که به قانون تمکین نکردند، پرونده کیفری تشکیل شد. علی‌ای‌حال تاکید مؤکد دارم که موضوع مورد اشاره باید با جدیت دنبال شود. این مقوله، آسیب‌زا و زمینه فساد است. علاوه بر اهتمام ویژه درخصوص تعیین‌تکلیف تمامی آن ۳۵۹ نفری که برای‌شان پرونده کیفری تشکیل شده، باید مالی که تمامی آن هزار و ۵۳۵ نفر نیز تحصیل کرده‌اند، مورد بررسی جامع قرار گیرد و چنانچه نامشروع و مغایر با قانون بوده، مسترد گردد. سازمان بازرسی کل کشور در این فقره، در تکمیل اقدام قبلی یک اقدام قاطع، ضربتی و دقیق دیگر انجام دهد. وضعیت فعلی شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت باید اصلاح شود.

مبارزه با فساد هم از اولویت ما خارج نشود

وی با تشریح مؤلفه‌های ایجاد بازدارندگی در امر مبارزه با فساد ادامه داد: ما کماکان معتقدیم که در راستای ایجاد بازدارندگی در امر مبارزه با فساد و ارتقای آگاهی‌های مردمی در این راستا، می‌توان تا آنجایی که مخل قانون نباشد، برخی از گزارش‌های سازمان بازرسی را به‌صورت عمومی منتشر کرد.

همچنین در همین راستا لازم است با همکاری مجلس، لایحه‌ای را تدوین کنیم که مضمون و محتوای آن، برگزاری هرچه بیشتر دادگاه‌های علنی و انتشار مفاد آنها باشد. البته پُر واضح است که انتشار مفاد دادگاه‌ها، باید ضرورتاً منطبق با قانون و شرع انور باشد و انتشار مفاد دادگاه‌ها چنانچه مخل امنیت و عفت عمومی نباشد، پذیرفته است.

نشانه‌های نفوذ در مراکز تصمیم‌ساز؛ از بازگشت چهره‌های وطن‌فروش تا لگدپرانی در جشنواره‌های خارجی

در حالی که بخشی از چهره‌های فرهنگی غرب در ماه‌های اخیر هزینه موضع‌گیری علیه اسرائیل و حمایت از فلسطین را پذیرفته‌اند، در ایران برخی سلبریتی‌ها همچنان در مواجهه با مسائل کشور، از پاسخگویی درباره مواضع گذشته تا واکنش به جنگ و شهادت مردم، سکوت یا مواضعی همسو با روایت‌های ضدایرانی را برگزیده‌اند.

در هفته‌های اخیر مجموعه‌ای از اتفاقات در حوزه فرهنگ و هنر رخ داده که در کنار یکدیگر، تصویری قابل تأمل از برخی اتفاقات حوالی چهره‌های پرحاشیه خارج از کشور رخ داده؛ از اعلام بازگشت خواننده هتاکی به نام محسن نامجو پس از نزدیک به دو دهه تا سخنان سخنگوی دولت درباره امکان بازگشت چهره‌هایی چون عبدالکریم سروش، محسن کدیور و مسعود بهنود. در سوی دیگر، حضور تولیدات ضدایرانی در جشنواره‌های خارجی و مواضعی که از سوی بعضی چهره‌های وطن‌فروش در این فضا مطرح می‌شود.

محسن نامجو که حدود دو دهه در خارج از ایران زندگی کرده بود، به کشور بازگشت؛ درحالی‌که طی سال‌های فعالیت خود در خارج از کشور بارها به مقدسات و امامان انقلاب اسلامی توهین کرده بود و در ایران نیز سابقه پرونده قضائی دارد. نامجو به گونه‌ای بازگشته که گویی نه خانی آمده و نه خانی رفته است! آیا او از رفتارهای خود در گذشته اعلام برائت و پشیمانی کرده است؟ آیا امروز واکنشی درست و حداقلی به جنگ تحمیلی و شهادت مردم ایران به خصوص شهادت کودکان داشته است؟

چند روز پیش از آن نیز فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در پاسخ به پرسشی درباره بازگشت برخی چهره‌های خارج از کشور، از امکان بازگشت آنان سخن گفت. در این اظهارات، علاوه‌بر خواننده خارج نشین معین، نام‌هایی مانند عبدالکریم سروش، محسن کدیور و مسعود بهنود نیز مطرح شد. در واقع سخنگوی دولت که یک جایگاه حقوقی واضح در نظام جمهوری اسلامی دارد نام افرادی را به زبان می‌آورد که سابقه ضدایرانی مشخص دارند اما هیچ شرط مشخصی در بازگشت آنها نیست. هرکس هر چه بخواهد بگوید و هرواکنشی بخواهد داشته باشد و در انتها نیز بدون کوچک‌ترین نگرانی به کشور بازگردد و انگار نه انگار؟

اصل امکان بازگشت هر شهروند ایرانی به کشور، به‌خودی‌خود موضوعی قابل مناقشه نیست و بسیاری از ایرانیانی که سال‌ها خارج از کشور زندگی عادی داشته‌اند، می‌توانند به کشور بازگردند، زندگی کنند و فعالیت داشته باشند؛ اما برای چه افرادی؟ آن‌هم با چه نوع بازگشتی؟ برخی از این چهره‌ها سال‌ها در رسانه‌های خارجی و محافل سیاسی خارج از ایران فعال بوده‌اند، مواضع تندی علیه ایران و نظام جمهوری اسلامی گرفته‌اند و در مقاطع مختلف در منازعات سیاسی علیه ساختار جمهوری اسلامی نقش فعال داشته‌اند. اما اکنون بدون تغییر و یا رفتاری بازگردند؟ بازگشت بدون هزینه چهره‌های وطن‌فروش و ادامه فعالیت در ایران بدون پاسخگویی پیرامون رفتارهای گذشته موضوعی نیست که بتوان آن را هضم کرد.

یک اتفاق تکراری اظهارات ضدایرانی از سوی شبه‌سلبریتی‌ها

همزمان با این تحولات، یک فیلم سیاه از ایران به جشنواره فیلم ونیز رفت. فیلم «مراقب» ساخته محسن قرایی در بخش افق‌های جشنواره حضور داشت و به لاله مرزبان برای بازی در این فیلم و به پاس تلاش‌هایی که برای فروش وطن خود داشت، یک جایزه جنبی جشنواره را دادند.

جشنواره ونیز، علاوه‌بر بخش مسابقه اصلی، ۵۵ بخش و جایزه فرعی و جنبی دارد و «جایزه افق‌ها» نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد. برخی آثار حاضر در این بخش‌ها از نظر هنری و سینمایی در سطح مسابقه اصلی نیستند و نباید جوایز جنبی آنها با جوایز اصلی جشنواره مانند شیر طلایی و نقره‌ای اشتباه گرفته شود. لاله مرزبان نیز در ردیف ۴۰-۵۰ بازیگر دیگر بخش‌های فرعی و جنبی، جایزه‌ای هم گرفته که برخلاف جوایز رسمی ونیز یعنی شیر طلایی و نقره‌ای، نه طلایی است و نه نقره‌ای، بلکه سیاه است! ولی برخی شبه رسانه‌های داخلی و خارجی به گونه‌ای جلوه دادند که گویا این بازیگر، جایزه اصلی بازیگر زن جشنواره ونیز را دریافت نموده است!

به هرحال مرزبان پشت تریبون رفت و اظهارات خلاف واقع و ضدایرانی از وضعیت زنان ایران اشاعه داد تا همان فرمول همیشگی که دیگر تبدیل به عادت برای همگان شده مجددا رخ دهد؛ ساخت یک فیلم سیاه، ارسال فیلم به جشنواه‌های غربی، دریافت یک جایزه درجه چند، اظهارات ضدایرانی و رسیدن به یک نام و نشان در میان دشمنان ایران، چراکه آنها به خودی خود که توانایی تبدیل شدن به یک چهره را ندارند لذا با لگدپراکنی و وطن‌فروشی به زعم خود، در میان دشمنان و غربی‌ها خود را عزیز می‌کنند.

گویا صحبت درباره شهدای غیرنظامی در مدرسه میناب و کودکان و زنانی که در جنگ‌های تحمیلی به شهادت رسیدند در نگاه و زبان سلبریتی وطن‌فروش نمی‌آید، چون سود و منفعتی برای آنها ندارد. آنها هم می‌دانند که حقیقت چیست و هم ادعاها و اظهارات وطن‌فروشانه را خوب حفظ کرده‌اند.

افکار عمومی جهان رو به آگاهی بخشی از جریان شبه فرهنگی ایران در تفهمی

نکته قابل توجه در شرایط فعلی، تغییر محسوس فضای فرهنگی غرب به خصوص از آغاز نسل‌کشی غزه است. نمونه‌های این تغییر را می‌توان در اعتراض هنرمندان، دانشگاهیان، ورزشکاران و حتی برخی چهره‌های حتی یهودی به جنایات اسرائیل مشاهده کرد.

در همان جشنواره ونیز، یووال آبراهام و ریچل زور، دو فیلمساز اسرائیلی، مستندی را به نمایش گذاشتند که در آن ۲۴ نظامی و مأمور اطلاعاتی اسرائیلی درباره عملیات ارتش اسرائیل در غزه و کشتار فراوان مردم با بهره‌گیری از هوش‌مصنوعی صحبت کرده‌اند. حضار برای این مستند و عواملش ۲۵ دقیقه دست زدند. مستند حتی با استقبال هیئت داوران روبه‌رو شد و جایزه ویژه دریافت کرد.

اما دولت به خصوص وزیر فرهنگ رژیم صهیونی نیز به‌سرعت واکنش دادند و قرار شد تا از آن دو نفر سلب تابعیت شود. جالب است که حتی برخی از صهیونیست‌ها از جنایات اسرائیل به درد آمده‌اند و باوجود خطرات و هزینه‌ها اما باز سکوت نمی‌کنند و از نسل‌کشی در غزه مستند می‌سازند. اما در ایران برخی از شبه‌سلبریتی‌ها همچنان به دنبال جلب رضایت آمریکا و اسرائیل هستند بلکه به آنها نان و خرمایی در غرب بدهند!

این مستند تنها نمونه در جشواره ونیز نبود بلکه کمپین‌های مختلف در جشنواره با حضور سینماگران معروف برای حمایت از فلسطین و محکومیت اسرائیل به راه افتاد. همچنین فیلم فیلمساز معروف «مارتین مک دانا» در بخش مسابقه جشنواره ونیز یعنی «اسب وحشی نهم» درباره کودتای آمریکایی ۱۹۷۳ شیلی و نقش سازمان سیا در آن بود تا سیاست‌های آمریکا در یک کشور آمریکای لاتین را مورد چالش قرار دهد، اما فیلمساز ایرانی که آمریکا دقیقا به کشور خودش یورش برده و تعداد زیادی از مردمانش را به شهادت رسانده، سکوت می‌کند تا اربابانش ناراحت نشوند.

در عرصه موسیقی نیز نمونه‌های مشابهی دیده می‌شود. پس از حضور گال گدوت صهیونیست در برنامه «جیمی کیمل»، گروه موسیقی «مونا» درباره این حضور موضع گرفت. نائومی مک‌فرسون، عضو گروه، توضیح داد که اجرای آنها از قبل ضبط شده بود و اعضای گروه از مهمانان برنامه اطلاع نداشتند و در ادامه موضع خود را درباره فلسطین آزاد اعلام کرد.

حتی شرکت‌های تجاری نیز از فشار افکار عمومی در امان نمانده‌اند. انتخاب یک سرباز سابق ارتش اسرائیل برای تبلیغ آدیداس در اسرائیل با اعتراض فعالان حامی فلسطین مواجه شد و این شرکت در پی فشارها بابت این انتخاب حتی رسما عذرخواهی کرد.

مجموع این نمونه‌ها یک واقعیت مهم پیرامون تغییر و تحول در فضای فرهنگی امروز جهان روشن می‌کند. انتقاد از جنایات اسرائیل و آمریکا دیگر صرفاً در میان فعالان سیاسی اندک باوجدان یا گروه‌های محدود حامی فلسطین نمانده است. هنرمندان و بخش قابل توجهی از شهروندان غربی نیز درباره رفتار دولت‌ها و یا شرکت‌های حامی اسرائیل موضع شفاف و صریح گرفته‌اند.

جریان نفوذ شاخ و دم ندارد برای اصلاح به عزم جدی نیاز است

جریان نفوذ شاخ و دم ندارد. قرار نیست یک فرد یا جریان نفوذی جار بزند که من یک نفوذی هستم و می‌خواهم کشور را در عرصه‌های مختلفی چون فرهنگی ویران کنم. بلکه باید جریان نفوذ را از رفتارها و نتایج برخی عملکردها شناخت. ببینید چگونه در یک مدت زمانی محدود و از چند جهت و در جغرافیای ایران و جهان اتفاقات مختلفی اما همه در یک راستا انجام شده است.

نفوذ یعنی در ارگان‌ها و نهادهای خود حاکمیت و نه خارج از حاکمیت. مدل انجام این پروژه و عدم واکنش‌های صحیح در مقابل آن یعنی نباید جریان نفوذ را تنها در بدنه دولت جست‌وجو کرد بلکه این جریان در نهادهای قضائی و حتی امنیتی نیز نفوذ دارد و آنچه را که می‌خواهد پیش می‌برد. پس نحوه مقابله با این جریان نیز صرفا مطالبه‌گری ساده از مسئولین نیست چرا که جریان نفوذ چه بسا در میان همان مسئولین نیز رخنه کرده باشند.

این قبیل اتفاقات و دست‌های پشت پرده آن تنها با یک عزم جدی و مطالبه همگانی در راستای شفاف‌سازی کامل و بررسی دقیق صورت خواهد گرفت. قوه قضائیه نباید با این رفتارها همچون یک پرونده ساده قضائی برخورد کند. این موضوع یک دزدی از یک بقالی نیست، یا درخواست یک زوجه برای طلاق از همسرش نیست که پرونده را در میان صدها پرونده دیگر قرار دهند و در بوروکراسی اداری و تاثیرگذاری جریان نفوذ در فرآیند بررسی در نهایت به نتیجه‌ای ختم شود که اتفاقا به سود آنها باشد. گاهی شبه‌سلبریتی‌ها دقیقا به دنبال یک محکومیتی چون ممنوعیت خروج از کشور هستند تا آنها را بیشتر در بوق و کرنا کنند و دادگاه نیز دقیقا همان حکم را برای او صادر می‌کند.

این قضایا را باید خارج از بوروکراسی و با عزم جدی دنبال کرد تا از پس آن بشود هم مسائل و مصائب حوزه فرهنگ و هنر کشور را بهبود داد و هم دست جریان نفوذ از تاثیرگذاری و جریان‌سازی در داخل برای دشمن کوتاه شود.

محمد محمدی افران

واکنش قالیباف به خبر نفتی بلومبرگ با انیمیشن مشهور آمریکایی

رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنش به خبر بلومبرگ ویدیویی از یک انیمیشن معروف آمریکایی را به اشتراک گذاشت.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنش به خبر بلومبرگ مبنی بر رسیدن قیمت سوخت به ۹.۹۹ دلار در یکی از ایستگاه‌های سوخت در آمریکا، ویدیویی از یک انیمیشن معروف آمریکایی را به اشتراک گذاشت.

بلومبرگ در خبری به رسیدن قیمت سوخت به ۹.۹۹ دلار در یکی از ایستگاه‌های سوخت در سن دیگوی کالیفرنیا اشاره کرد و نوشت که تابلوها دیگر جایی برای نشان دادن ارقام بیشتر ندارند.

محمدباقر قالیباف در واکنش به این خبر، بخشی از پویانمایی سیمپسون‌ها را به اشتراک گذاشت که در آن این حد نصاب‌های تاریخی قیمت سوخت در آمریکا پیش‌بینی شده است و شخصیت اصلی پویانمایی، پس از دو رقمی شدن قسمت سوخت و ناتوانی تابلوی قیمت از نشان دادن آن به طنز از رایگان شدن سوخت صحبت می‌کند.

به گزارش مهر، سیمپسون‌ها یکی از معروف‌ترین پویانمایی‌های دنیا بوده که به پیش‌بینی رویدادهای مختلف معروف شده است.

گزافه‌گویی گروسی پس از تصویب قطعنامه ضدایرانی

سرویس سیاسی-

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مدعی شد که در صورت ازسرگیری فعالیت‌های این نهاد در ایران، نگرانی‌های امنیتی تهران با توجه به شرایط جنگی در نظر گرفته خواهد شد.

در حالی که شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخیراً با تصویب قطعنامه‌ای ضدایرانی، پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داد، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، امروز مدعی شد که این نهاد بار دیگر «دست یاری» به سوی ایران دراز کرده و آماده همکاری با تهران است.

گروسی در حالی از «اعتماد و همکاری» سخن می‌گوید که آژانس با رویکردی سیاسی و قطعنامه‌های تنش‌زا، نشان داده که بیطرفی نیست.

پذیرش نگرانی‌های امنیتی ایران زمانی معنا دارد که آژانس مستقل عمل کند؛ نه اینکه با ایجاد بحران، در رابطه با لحاظ کردن نگرانی‌های ایران شعار دهد.

او همزمان با آغاز کنفرانس عمومی این نهاد، در بیانیه‌ای مدعی شد «بار دیگر دست یاری خود را به سوی ایران دراز می‌کنیم تا با ما برای روشن شدن مسائل مرتبط با برنامه هسته‌ای‌اش همکاری کند».

گروسی که تاکنون از محکوم کردن حملات آمریکا و اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای تحت نظارت آژانس در ایران خودداری کرده، همچنین گفت که «به ایران می‌گویم که هنگام ازسرگیری فعالیت‌هایمان در آنجا، نگرانی‌های امنیتی این کشور را در نظر خواهیم گرفت. از دشواری وضعیت به دلیل درگیری جاری در منطقه خاورمیانه آگاه هستیم».

مدیرکل آژانس افزود: «به ایران می‌گویم که تا زمانی که دوباره با هم همکاری نکنیم، به اعتماد و ثبات دست نخواهیم یافت».

ایران بارها درباره تاثیرپذیری آژانس از فشارهای سیاسی هشدار داده و بر لزوم عملکرد حرفه‌ای و فنی این نهاد تاکید کرده است. اخیراً هم پس از تصویب قطعنامه ضدایرانی در شورای حکام این نهاد، وزارت امور خارجه ایران هشدار داد که استفاده ابزاری از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بسترسازی فشار سیاسی و توجیه تجاوز نظامی علیه ایران صرفاً به خدشه‌دار شدن اعتبار آژانس یا مدیرکل آن محدود نمی‌شود، بلکه ارزشمندترین دارایی آژانس، یعنی اعتبار آن به‌عنوان مرجعی بیطرف و مستقل را بر باد می‌دهد.

کنفرانس عمومی آژانس دیروز در شرایطی آغاز شد که تحت فشار آمریکا، محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، نتوانست در آن شرکت و سخنرانی خود را ارائه کند.

علی مطهری:

اظهار علاقه بیش از حد برای مذاکره عاقلانه نیست

نماینده ادوار مجلس با تأکید بر اینکه ایران نباید برای ازسرگیری مذاکرات پیش‌قدم شود، گفت: اگر طرف مقابل خواهان بازگشت به میز مذاکره است، باید ابتدا به تعهدات خود در تفاهم‌نامه عمل کند. اگر ما بیش از حد اظهار علاقه کنیم که می‌خواهیم مذاکرات را از سر بگیریم، به نظر عاقلانه نمی‌آید.

علی مطهری، نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با فارس درباره مذاکرات میان ایران و طرف مقابل اظهار کرد: ما در صورتی باید مذاکره را دوباره آغاز کنیم که طرف مقابل واقعاً مشتاق باشد و به نوعی برای بازگشت به میز مذاکره اصرار داشته باشد و التماس کند. اینکه ما بیش از حد اظهار علاقه کنیم که می‌خواهیم مذاکرات را از سر بگیریم، به نظر عاقلانه نمی‌آید.

وی افزود: به‌هرحال، این طرف مقابل بود که میز مذاکره را ترک کرد و ترامپ نیز اعلام کرد که از تفاهم‌نامه خارج شده و آن را کاغذپاره می‌داند؛ بنابراین، اگر خود آنها بازگردند و درخواست مذاکره کنند، اشکالی ندارد که ایران درخواست آنها را بپذیرد.

نایب‌رئیس دوم مجلس دهم با تأکید بر اینکه مفاد تفاهم‌نامه در بسیاری از موارد به نفع ایران است، گفت: اگر آنها بخواهند به تفاهم‌نامه بازگردند، ما نباید این فرصت را از دست بدهیم؛ اما این درخواست نباید از طرف ایران مطرح شود.

مطهری گفت: نکته مهم این است که طرف مقابل باید بندهای تفاهم‌نامه را یک‌به‌یک اجرا کند؛ مانند بند عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی، آزادسازی پول‌های بلوکه شده ایران و رفع تحریم‌ها. ما باید در عمل ببینیم که آنها قصد اجرای تعهدات خود را دارند. اگر این تعهدات را اجرا کنند و اقداماتی مانند رفع محاصره دریایی نیز انجام شود، ایران هم پای میز مذاکره خواهد آمد و احتمالاً تنگه هرمز هم باز خواهد شد.

وی تأکید کرد: اما اینکه ما بیش از حد از مذاکره صحبت کنیم، به نظر نمی‌رسد به نفع ایران باشد و عاقلانه‌ای نیست.

نماینده سابق تهران در ادامه درباره اهمیت حفظ اهرم‌های فشار ایران، از جمله تنگه هرمز، و تأثیر آن بر قیمت سوخت و انرژی در آمریکا و اروپا گفت: نباید آینده این جنگ را فقط به یک عامل وابسته کنیم، ممکن است اگر آنها درخواست مذاکره کنند و ایران نیز بپذیرد، این موضوع بر قیمت نفت اثر بگذارد و قیمت‌ها کاهش پیدا کند؛ اما ممکن است امتیازاتی که ما در ادامه مذاکرات به دست می‌آوریم و فرصت‌هایی که برای ایران فراهم می‌شود، ارزش بیشتری داشته باشد.

مطهری افزود: نباید صرفاً به این دلیل که نمی‌خواهیم قیمت نفت کاهش پیدا کند، فرصتی را از دست بدهیم که ممکن است در آینده دوباره به وجود نیاید.

وی تأکید کرد: اگر آنها واقعاً خواهان مذاکره و اجرای بندهای تفاهم‌نامه باشند، ایران نباید این فرصت را از دست بدهد؛ حتی اگر این مسئله باعث شود قیمت نفت تا حدودی کاهش پیدا کند.

نایب‌رئیس دوم مجلس دهم با اشاره به شرایط دشوار موجود گفت: به‌هرحال، اکنون در شرایط سختی قرار داریم و مردم نیز واقعاً تحت‌فشار هستند. ممکن است اگر طرف مقابل در شرایط فعلی درخواست مذاکره کند و ایران آن را نپذیرد، در آینده چنین فرصتی دیگر به دست نیاید.

مطهری بیان کرد: بنابراین، صرفاً به‌خاطر قیمت نفت نمی‌توان گفت که اگر طرف مقابل خواهان مذاکره است، ایران نباید این درخواست را بپذیرد. به نظر من، چنین سیاستی درست نیست.

سپاه یک فروند پهپاد پیشرفته MQ۱ را بر فراز آسمان تنگه هرمز منهدم کرد

روابط عمومی سپاه از انهدام یک فروند پهپاد پیشرفته MQ۱ آمریکایی بر فراز تنگه هرمز خبر داد.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز دوشنبه اعلام کرد: یک فروند پهپاد پیشرفته MQ۱ توسط سامانه نوین پدافند پیشرفته هوافضای سپاه و تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوائی کشور بر فراز آسمان تنگه هرمز رهگیری و منهدم شد.

یادداشت روز

فروپاشی توهّمات سعودی‌ها در یمن

ادامه از صفحه ۲

۴- تحولات میدانی یمن را نباید جدا از پازل کلان نظم نوین غرب آسیا تحلیل کرد. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بارها تأکید کرده‌اند، هندسه قدرت در منطقه برای همیشه تغییر کرده و دوران سلطه‌گری شیطان بزرگ و دست‌نشاندگانش به پایان رسیده است. همگرایی بی‌سابقه ارکان محور مقاومت - از تهران تا صنعا، بغداد، دمشق، بیروت و غزه - معماری امنیتی جدیدی را رقم زده که در آن، غرب آسیا منحصراً توسط ملت‌های مسلمان اداره خواهد شد. فتح الفتوح اخیر مجاهدان یمنی در تصرف اراضی اشغالی و غنیمت‌گیری جنگ‌افزارهای غربی، طلیعه فروپاشی نهایی استیلای آمریکا بر گذرگاه‌های دریایی منطقه و ان‌شاءالله فتح قدس شریف است.

۵- آنچه امروز در بیابان‌ها و سواحل یمن می‌گذرد، مصداق بارز آیه شریفه «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» است. خون شهدای مظلوم یمن و پیش‌بینی‌های حکیمانه امام شهیدمان، امروز به بار نشسته است. تسلیحاتی که قرار بود کمر مقاومت را بشکنند، اکنون بر سر متجاوزان فرود می‌آید. این فتح آشکار، مژده‌ای است برای تمام مستضعفان جهان که به این یقین برسند وعده صادق الهی تخلف‌ناپذیر است و فردا از آنِ مجاهدان فی‌سبیل‌الله است که پرچم اسلام راستین را برافراشته‌اند و طواغیت جهان و منطقه، سرنوشتی جز تسلیم یا فرار نخواهند داشت.